

ماجرای عشق و عاشقی میدون

من کاهش باروری دارم



پوریا عالمی

• من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوфіا. بابای سوфіا اما عاشق من نیست. دیروز هم که رفتم خواستگاری، بابای سوфіا گفت: پسر می‌دانی که من روی وطن و ناموس و پرسپولیس حساسم. الان هم داشتم توی اخبار می‌خواندم که رئیس کمیته مطالعات و پایش سیاست‌های جمعیتی گفته: طبق پیش‌بینی‌ها ایران با کاهش باروری و سال‌خوردگی شدید در سال ۲۰۵۰ مواجه است. گفتم: خب؟ بابای سوфіا گفت: همین دیگر. طبق پیش‌بینی مسئولان تو کاهش باروری خواهی داشت و سال‌خورده هم می‌شوی. من هم داماد اجاق‌کُور و پیر نمی‌خواهم. گفتم: ببخشید اولاً ما در حالت طبیعی به دلیل آلودگی هوا و تصادفات جاده‌ای و زلزله و آتش‌سوزی مدارس و نرسیدن به‌موقع آتش‌نشانی و نرسیدن به‌موقع آمبولانس و چی و چی خواهیم مرد. یعنی توی فامیل ما هیشکی هنوز به چهل نرسیده. هر کی بوده یا سر زا رفته یا توی راه. با این اوصاف اساساً ما امیدی به زندگی دورودراز نداریم. اگر مسئولان جمعیتی گفتند ما سال‌خورده می‌شویم حتماً خیلی خوش‌بینانه گفتند. بابای سوфіا گفت: کاهش باروری چی؟ گفتیم: کاهش باروری یعنی چی؟ با این گرانی و تورم و ناامنی اقتصادی، در و همسایه و دوست و فامیل باید دست به دست هم بدهند و پول روی پول بگذارند که آدم بتواند بچه بیاورد. در غیر این‌صورت آدم زیر قرض می‌زاید. یعنی شما نهایتاً یک‌بار بخواهی از خودت کار بکشی و بچه‌دار شوی، یک‌بار بچه‌دار شدن که کاهش ندارد دیگر. تازه همین یک‌بار هم خرجش طوری است که آدم هنوز بچه به دنیا نیامده، بعید نیست از فشار زندگی سگت‌کند و خلاص. ببینم شما الان فقط یک سوфіا داری، آیا کاهش باروری نداری؟ بابای سوфіا گفت: من متقاعد شدم. اما نفهمیدم برای چی باید سوфіا را بدهم به تو؟ گفتم: برای وام ازدواج. ازدواج هرچی دردسر داشته باشد، حسنش این است که تنها وایم است که ما آدم‌هایی که اختلاس بلد نیستیم بکنیم می‌توانیم بگیریم.

نتیجه‌گیری

ما قبل از اینکه پیر بشویم پیرمان را درمی‌آورند.

شتر

روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ • ۱۰ شعبان ۱۴۳۷ • ۱۷ می ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۸۵ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۴ • اذان صبح فردا ۴:۱۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۷

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی احمدیان

instagram.com/mehdi_ahmadian



شاخک‌های سینما هنوز حساس است

نمیستند که از هنرمندان دلجویی کنند. در چنین چرخه‌ای، این سؤال پیش می‌آید که چرا تکلیف هنر مشخص نمی‌شود؛ آیا قرار است هنری «حکیم‌فرموده» در جامعه داشته باشیم؟ آیا قرار است به فردیت هنرمندان و شاخک‌های آنها احترام بگذاریم؟ آیا قرار است هنر به چیزی ملتزم باشد و اگر این‌طور است، آن وجه التزام چیست؟ وضعیت عبرت‌انگیز تلویزیون، یادآور این نکته است که ادامه سیاست‌های غلط در هر حوزه هنری که باشد می‌تواند به از میان رفتن مخاطب آن رشته از هنر بینجامد. در سینما این وضعیت بغرنج‌تر است. سینما می‌تواند در چارچوب قوانین آزادانه به طرح مسائل اجتماعی و آسیب‌های جامعه بپردازد و نقشی فراتر از دیگر هنرها برای ساختار جامعه‌سازی کند، اما اگر چنین خاصیتی را از سینما بگیرند، دیگر چه چیزی برای پرده‌های نقاره‌ای باقی خواهد ماند؟



فرهاد توحیدی

در خبرها آمده است که «خیانت» به‌عنوان دومین دلیل طلاق زوجین در تهران به ثبت رسیده. باین‌حساب بعید نیست که خیلی‌ها چون من، خاطره سال‌های پیش را به یاد بیاورند که مسئولان به برخی از آثار تولیدشده در سینما به‌خاطر پرداختن به این آسیب اجتماعی خاص ایراد گرفته و سینما را در خیانت زوج‌ها، شریک جرم دانستند. واقعیت این است که سینما چیزهایی را در جامعه می‌بند و بر اساس همان‌ها، دست به ساختن می‌زند. هشدارهای جامعه‌شناسانه درباره پدیده شوم خیانت، خیلی پیش از اینها داده شده بود و به همین خاطر نمی‌توان گفت سینما در پرداختن به این موضوع

یادداشت

خودکشی به‌مثابه رسانه

متفاوتی دارد و متناسب با آن انواعش هم فرق می‌کند. از گذشته‌های دور برخی از خودکشی‌ها نمایشی و برخی اعتراضی بوده است، اما جز در موارد اندک و دربار برخی چهره‌های شناخته‌شده، بازتاب اغلب آنها از محله یا منطقه‌ای فراتر نمی‌رفت، اما اکنون این نوع خودکشی‌ها از خصلت ملی برخوردار می‌شوند و در زمانی اندک، هنوز گرما از تن خودکشی‌کننده رخت برنسته، تصویرش موبایل‌به‌موبایل می‌چرخد. آنچه اکنون به پدیده تبدیل شده است، کارکرد به‌تازگی فراگیرشده خودکشی است. خودکشی برای برخی از افراد همچون رسانه است. کسانی که در خلوت خود را می‌کشند، ممکن است از سر ناتوانی باشد و بخواهند خود را از دشواری‌های زندگی خلاص کنند، اما آنان که خودکشی‌شان را به نمایش می‌گذارند، می‌خواهند با ما سخن بگویند؛ خودکشی برایشان رسانه است. آنان از قدرت هولناک خودکشی استفاده می‌کنند تا صدایشان به گوش‌های ما برسد. آنان فکر می‌کنند، خودکشی همانند صخره‌ای عظیم، صدای ضعیفشان را چنان بلند بارتاب می‌دهد که گوش‌های کر هم ناگزیر از شنیدن باشند، اما متأسفانه در واقعیت چنین نیست و بازتاب این صدا فقط تا خبر مهم‌تر بعدی دوام دارد. باین‌همه آیا اگر صدای آنان پیش از خودکشی شنیده شود، باز هم خودکشی می‌کنند؟



علی‌اصغر سیدآبادی

اولین واکنش ما در دوره دبیرستان به خودکشی یک همکلاسی این بود: چرا؟ که با شنیدن دلیلش آه از نهاد ما برآمد. موضوعی بسیار بی‌اهمیت - از نظر ما - یکی از بهترین هم‌کلاسی‌هایمان را به دست مرگ سپرده بود. پدر و مادر به سفر رفته بودند و او را نبرده بودند. گروهی از ما در گفت‌وگوهای یواشکی‌مان، هم‌زمان که دلمان برایش می‌سوخت، او را محکوم می‌کردیم به ضعف. به نظر ما واقعا موضوع آن‌قدر اهمیت نداشت که کسی به خاطرش چنین مرگ هولناکی را انتخاب کند. گروهی دیگر از ما جرئت او را ستایش می‌کردند و خودکشی‌اش را به پای جرئتش می‌گذاشتند. خودکشی یا ترویج خودکشی یکی از موضوع‌هایی است که ما امکان شناخت عمیق‌تری از آن نداریم و شناختمان از این پدیده به صفحات حوادث روزنامه‌ها و رسانه‌ها خلاصه می‌شود و به یافته‌های جامعه‌شناسان و روان‌شناسان که اغلب تقلیل‌گرایانه است و ناتوان از بیان حقیقتی که ادبیات و مخصوصاً رمان می‌تواند بیان کند. این موضوع در ادبیات ایران دچار ممیزی است و نه فراوانی آن زیاد است و نه تصویرش کامل. بیش از رمان‌های جدی، این موضوع به‌عنوان ابزاری پر قدرت و احساسی

فروش استثنایی محصولات گروه خودروسازی سایپا به مناسبت سالروز

آزادسازی خرمشهر

روش‌های متفاوت فروش با تسهیلات قرض الحسنه

بازپرداخت ۳۶ ماهه تسهیلات، بدون ضامن

زمان تحویل ۱۰ روزه



۱۳۹۵ شمسن - بهمن | May - June خرداد

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱				

۳. فتح خرمشهر در عملیات بیت المقدس ۱۳۶۱ | آغاز فروش ویژه محصولات گروه خودرو سازی سایپا به مناسبت آزاد سازی خرمشهر.



گروه خودروسازی سایپا

www.saipagroup.ir

جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به شبکه گسترده نمایندگی های مجاز گروه خودروسازی سایپا در سراسر کشور مراجعه نمایید. توجه: واریز به حساب بانکی غیر از حساب سایپا خرید تلقی نمی گردد و شرکت هیچ گونه مسئولیتی در قبال تحویل خودرو ندارد.